

## شوکت رستم‌اف

## نکته‌ای چند در باره فرهنگ «شرفنامه»

فرهنگ «شرفنامه» تألیف ابراهیم قوامی فاروقی از جمله آثار گرانمایه زبان و ادب فارسی محسوب می‌شود که تا به حال پژوهش جدی روی آن صورت نگرفته است.

نظر به اطلاع منابع علمی، ابراهیم قوامی فاروقی «شرفنامه» را سال ۸۷۸ هجری / ۷۴-۱۴۷۳ میلادی در بیهار هند به پایان رسانده، آن را به حاکم بنگاله ابوالمظفر باربک‌شاه (حکومت ۸۶۲-۸۷۸ هـ.) تقدیم کرده است (۶۲، ۱۹).

معلومات سایر منابع علمی در ذکر زمان زندگی مؤلف و شخصیت او خیلی عجیب بوده، برای وقوف لازم از شرح حال، سبک و شیوه بیان و رابطه‌های ادبی موصوف کفایت نمی‌کنند. چارلز ریا در باره این که ابراهیم قوام‌الدین فاروقی فرهنگ را به شرف مرشد خویش، پیرو طریقت **چشتیه** شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری نام گذاشته‌است، معلومات داده، از وجود چهار منبعی که در آنها ذکر شخصیت این شیخ بزرگ رفته‌است، اشاره می‌نماید (۴۹۱، ۷).

همچنین این محقق یکی از نخستین کسانی بوده که از آثار گرانبهای احمد منیری و ارزش علمی ادبی کتاب او «معدن‌المعانی» سخن رانده، تا اندازه‌ای جریان زندگی ابراهیم فاروقی را برای خوانندگان روشن ساخته‌است.

گزارش منابع دیگر از قبیل «تاریخ ادبیات در ایران» ذبیح‌الله صفا، «فرهنگ فارسی» دبیرسیاقی، «فرهنگ نظام»، «فرهنگ نویسی فارسی در هندو پاکستان» نقوی، «فرهنگ نامها» ی سید ضیاء‌الدین هاجری، «Ранняя персидская лексикография XI-XV вв.»-Баевский (فرهنگ‌نویسی فارسی قرون ۱۵ - ۱۱ میلادی) بایوفسکی، «دانشنامه ادب فارسی» و امثال اینها پیرامون مسئله مذکور بسیار موجز

است. برخی مؤلفان کتب فوق از ماهیت علمی و ارزش ادبی «شرفنامه» بارها یادآور شده، همزمان از طبع و نشر نیافتن نسخه علمی انتقادی آن خبر می‌دهند.

در فهرست‌های مختلف گنجینه‌های خطی، راجع به موجود بودن، مندرجه و شکل و زمان کتابت نسخه‌های گوناگون فرهنگ «شرفنامه منیری» معلومات فراوان است. طبق معلومات رساله‌های علمی و منابع ادبی، از این فرهنگ نسخه‌های زیادی به ما رسیده، در گنجینه‌های خطی ممالک مختلف مانند ایران، انگلستان، فرانسه، روسیه و نیز در تاجیکستان محفوظند. همچنین احمد منزوی در فهرست خود در باره ۱۱ نسخه این فرهنگ که در هند و پاکستان و مصر و ایران پیدا گردیده‌اند، معلومات داده‌است.

چارلز ریا در «فهرست نسخ خطی آثارخانه بریتانیا» پنج نسخه «شرفنامه» را توصیف نموده، از روزگار ابراهیم قوام‌الدین فاروقی، مرشد او و منبع‌هایی که ذکر نام و احوال اجتماعی مؤلف و احمد منیری در آنها آمده‌است، خبر می‌دهد.

همچنین س. ی. بایوفسکی در کتاب «Описание персидских и таджикских рукописей Института народов Азии» (فهرست نسخه‌های خطی فارسی-تاجیکی انستیتوی مردمان آسیا) راجع به سه نسخه «شرفنامه» اطلاعات مفید داده است (۱۲، ۲).

از محققان وطنی که در معرفی «شرفنامه منیری» و نسخه‌های تاجیکستانی آن اقدام نموده‌اند، ذکر ع. میرزایف، ا. ا. برتلس، م. زند در کتاب ارزشمند «Каталог восточных рукописей АН Таджикской ССР» (فهرست نسخه‌های شرقی آکادمی علوم جمهوری شوروی تاجیکستان) در اینجا به مورد خواهد بود. فهرست مذکور مربوط به شکل، حجم، حالت نسخه‌ها، سال کتابت و محتوای دو نسخه «شرفنامه منیری» معلومات مشخص پیشنهاد نموده است (۲۰، ۶). ضمناً باید گفت که کتاب مذکور به عنوان «فهرست نسخه خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجیکستان» زیر نظر سید علی موجانی و امریزدان علیمردانوف در دو

مجلد سال ۱۳۷۶ در تهران به طبع رسیده است، اما کیفیت اطلاعات این کتاب نظر به کتاب اولی خیلی مختصر می‌باشد.

مواد مقاله حاضر بر مبنای دو نسخه تاجیکستانی فرهنگ «شرفنامه منیری» که با شماره ۴۱۸ و ۵۲۵ در شعبه دستخط‌های نادر انستیتو شرق‌شناسی و میراث خطی جمهوری تاجیکستان محفوظند، تهیه گردیده است.

تحقیق و تحلیل این دو نسخه فرهنگ نشان می‌دهد که «شرفنامه منیری» دارای ارزشهای مهم علمی و ادبی بوده، با اصول‌های جالب و صفتاً نوینی انشا گردیده که ظهور مرحله مهم رشد و تکامل این عرصه را در قرن ۱۵ مجسم می‌نماید.

اساساً یکی از مهمترین عوامل ارزش هر فرهنگ غنای ترکیب لغوی آن است که در این راه «شرفنامه» با تفسیر بیش از ۸۰۰۰ واژه و ترکیب و عبارات و افاده‌های مختلف از لغتنامه‌های پیش از خود امتیاز اساسی یافته است. البته آثار لغوی نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از نسخه‌های دیگر تدوین یابد. بسیار واژه‌هایی که خاص لغتنامه‌های قدیمند، در این فرهنگ نیز بررسی شده‌اند. اما انتخاب و تفسیر عبارات و افاده‌های مخصوص شعری، کلمات و ترکیب‌های مختلف علمی و ادبی را نیز در این فرهنگ دریافتن ممکن است که فراگیر رسایل لغوی قدیمی نیستند. طرز انتخاب ترکیب‌ها و افاده‌های شعری که در ماده‌های لغوی جایگیرند نیز خیلی عجیب و قابل توجه بوده، تمایلات تدوین آثار لغوی در قرون میانه را به طور بارز نشان می‌دهد. مثلاً، افاده‌های «چون حرف آخر است ز ابجد»، «در لوزینه سیر داد»، «بنیاد عمر بر یخ»، «از پشت کوه چادر ایام برکشید»، «این دو رومی و زنگی»، «بنازم چشم مستت را»، «بوقلمون شد بهار»، «پر آمد قفیز»، «حوادث افیون خرد»، «دامن باغی گرفت»، بدون تجزیه عیناً از اسناد شاهد انتخاب و شرح یافته‌اند که این روش تفسیر معنی بیشتر خاص شرح‌نامه‌ها بوده، ارتباط قوی فرهنگ مذکور را با رسایل تشریحی تجسم نموده است. ثانیاً، قسمت نهایت

مهم ذخیره لغوی این فرهنگ را استعارات و تعبیرات شاعرانه، به افاده دیگر مصطلحات جالب ادبی تشکیل داده‌اند که در شرح و تحلیل آثار سخنوران قرون ۱۴ - ۱۲ خیلی مفیدند. مصطلحات ادبی «شحنه دیار عشق»، «عروسان درخت»، «علم جهل صبح»، «سرکه فروختن»، «چرخ ترساجامه»، «جبه خورشید و ماه»، «دود دل»، «آخرین حرف»، «حریف گلوبور»، «بغداد معمور»، «چشم شب پیمایی»، «زاده شش روز»، «بخت دندان خایی»، «قلب یم» و امثال اینها تا اندازه‌ای لغت امثال و حکم شعر فارسی را به خاطر آورده، در شرح و توضیح اشعار شعرای سبک عراقی ارزش مهم دارند، مانند «چون حرف آخر است ز ابجد» یعنی چون بلبل است. چه حرف آخر ابجد غین است و غین به حساب جمله هزار و هزار بلبل را گویند.

انوری:

چون حرف آخر است ز ابجد گه سخن، وز راستی چو حرف نخستین ابجد است»

«قلب دی» یعنی ید، دست. سلمان:

دم کلک تو سنبل بر سمن کارد به قلب دی،

دل پاک تو در عقل رویاند ز قلب یم»

«آب خشک» پیاله آبگینه و بلوری و آب مجرد بی‌مأکولات».

«همای و همایون»:

چو در آتش لاله افتاد مشک، دم از آتش ترزد و از آب خشک»

در کاربرد اصولهای شرح معنی، مؤلف قبل از هر چیز، پیگیر و جانبدار اصولهای معمول لغت‌نگاری است. اما برخی تفسیرهای مفصل و حتی شرح دامنه‌دار برخی لغات که در «شرفنامه» آمده، امتیاز کلی این فرهنگ را از لغتنامه‌های سابق آشکار می‌سازد. حتی تفسیر مختصر و نظر استقبالی مؤلف فرهنگ از منابع لغوی در کمال آگاهی از سنت‌های معمول این علم صورت گرفته، در بیان معنی نظر خاص تنقیدی او ظاهر می‌شود. چنانکه: «کبک‌انجیر - آنچه بدان

سنگ فرستند و پرنده‌ای است تیزرو بلندپرواز و مرغی است سپید و بعضی «درآج» گویند و مقرر ضمائر خداوندان معانی و فضایل باد که مولانا قاضی خان این لغت را در (باب) «کاف» مع «با» آورده که شاید به سهو نوشته باشد، زیرا چه به معنی نخست «کشک‌انجیر» است، چه انجیردن - سوراخ کردن و سنبیدن بود و معنی «کشک‌انجیر» - سوراخ‌کننده کشک بود و اصل کتابت کشک - کشک با واو است، بلکه جا به جا اظهار واو هم آمده و اثبات تأیید این محل «کشک‌انجیر» آورده شده و به معنی «کشک‌انجیر» انجیر کاخ‌ها نوشته.

در مجموع فاروقی ۳۶ منبع مختلف را در تدوین فرهنگ خویش به کار گرفته است که ارزش علمی و عملی نسخه مذکور را بالا برده است. اما ذکر این منابع در مقدمه فرهنگ که مؤلف پیرامون وجه نامگذاری و دستور زبان فارسی تهیه نموده، نرفته است. از مجموع منابع فرهنگ مذکور، ۱۶ عنوان فرهنگ تفسیری بوده، حواله و اشاره و اقتباس‌های فراوان فاروقی به لغتنامه‌هایی مانند «رسالة النصیر»، «مؤیدالنفواید»، «لسان‌الشعراء»، «زفان‌گویا و جهان‌پویا»، «اداة‌الفضلا» و غیره از جنبه‌های علمی فرهنگ مذکور است.

اصول اقتباس و حواله‌ها به این منابع به طور مختلف صورت گرفته، جا جا قید اختلاف نسخه‌های لغتنامه‌ها و نکته‌های جالب تنقیدی مؤلف ظاهر می‌شود. نمونه بارز آن را در شرح واژه «کبک‌انجیر» می‌توان مشاهده کرد. اما روش نقد فاروقی تا به درجه مؤلفان فرهنگ‌های جامع بعدی، به خصوص «فرهنگ رشیدی» جسورانه نیست. از ظهور عنصرهای نقد در «شرفنامه» و عدم این تمایل در فرهنگ‌های تفسیری سابق می‌توان از مرحله‌های نخستین شکل‌گیری این اصول مهم لغات‌نگاری در قرن ۱۵ نتیجه گرفت. یعنی تحقیق این مسئله در قیاس با لغات قدیمی نشان می‌دهد که ظهور نقد در این فرهنگ پدیده‌ای تازه است، در صورتی که اگر در «لسان‌الشعراء» و «اداة‌الفضلا» که تا ما نرسیده‌اند، این روش رایج نباشد.

برخی معلومات فرهنگ مذکور شامل ارزش مهم علمی بوده، در راه آموزش تاریخ ادبیات، علوم ادبی و تاریخ فرهنگ‌نگاری فارس و تاجیک خیلی مفیدند. مثلاً، فاروقی ضمن لغت «یارده» نسبت اولادی داشتن خود را با مؤلف «زفان‌گویا» اشاره نموده، نوشته‌است: «یارده به فتح، با «را» موقوف، نام تفسیر «زند» که تصنیف ابراهیم زردشت است و گویند که تفسیر «نسک» است و آن نیز کتابی است مغان را».

واقعاً، اگر سال تألیف «زفان‌گویا» را (۱۴۳۳) با سال تدوین «شرفنامه» (۱۴۷۳) قیاس نماییم، می‌توان به صحت نقل قول فوق اطمینان کرد. معلومات مذکور در تحقیقات س. ی. بایوفسکی که سال ۱۹۷۴ متن «زفان‌گویا» را به صورت فاکسی‌میلیه نشر کرده است، جای ندارد و حتی حبیب‌الله طالی که این فرهنگ را از روی یک نسخه با عنوان «پنج‌بخشی» در ایران طبع نموده، در قسمت روزگار مؤلف و شخصیت وی به علت عدم مواد لازم، مختصر معلوماتی داده و در خصوص مسئله فوق اشاره‌ای ندارد (۱۶، ۱۶).

از ویژگیهای دیگر این فرهنگ، ذکر حرکات لغات، تفسیر با مرادفها و اوزان و ذکر جامع معانی است که ارزش زبانی منحصر به فرد دارد. مسلم است که فرهنگ‌های مستند در قیاس با فرهنگ‌های تفسیری اما بی‌شاهد، ارزش علمی و ادبی بیشتری دارند.

در «شرفنامه» اقتباس و اشارات با استناد به شواهد به دو طریق صورت گرفته است: نخست، مؤلف از این یا آن آثار ادبی یاد آور شده، به جای ذکر کامل استناد، مفهوم عمومی سند را نقل می‌نماید و مطلب را مشخص می‌سازد. این اصول ضمن شرح واژه‌های «خورنق»، «صنعان»، «اسکندر»، «قنوس»، «سودابه» و غیره با تکیه بر آثار نظامی، عطار، امیر خسرو، فردوسی و امثال آنها صورت گرفته است. مؤلف بیشتر شواهد لغات را از اشعار شعرای ورزیده قرن‌های ۱۴ - ۱۱ (در مجموع از ۵۰ سخنور به تعداد بیش از ۲۰۰۰ بیت) انتخاب نموده، علی‌رغم برخی مؤلفان فرهنگ‌ها، پایبند اقتباس استناد مکرر نیست و طبیعی است که این روش ارزش علمی نسخه مذکور را بالا برده‌است. ضمن قیاس و مقابله

استناد مذکور با دیوان و آثار سخنوران اسناد قاطع و صحیح نیز به دست آمده‌اند که دلالت بر معتمد بودن نسخه مذکور نموده، ماهیت مفید نسخه‌شناسی «شرفنامه» را ثابت می‌سازند.

جنبه دیگر ارزش ادبی فرهنگ مذکور را قسمت کاربرد اصول شرح معانی برخی شواهد تشکیل می‌دهد. بیش از ۱۲۰ مورد شرح معنی بیت‌ها ضمن استناد شواهد در «شرفنامه» به نظر می‌رسند که تمایل ادبی این نسخه را افزوده و از ظهور اصول جدید فرهنگ‌نگاری در قرون وسطی خبر می‌دهد. بیشتر این گونه شرح‌ها پیرامون ابیات مختلف قصاید و اشعار شعرای قرن‌های ۱۳ - ۱۲، همانند انوری، خاقانی، نظامی، کمال‌الدین اصفهانی، ظهیر فاریابی، سعدی، بدر چاچی، سلمان ساوجی، حافظ و ... بوده، توضیحات دقیق و مشخص معانی در روند تحلیل و معرفت اشعار سخنوران مذکور ماهیت خوب علمی و ادبی این فرهنگ را آشکار می‌سازد، همانند این نمونه:

«باد - معروف و به معنی «تکبر» نیز آید. سلمان:

هوا که می‌کند اموات خاک را احیا      به باد می‌دهد انفاس لطف عیسی را  
در «دیوان» سلمان ساوجی به جای «باد»، «یاد» آمده است (۱۲۵، ۱۰). اما فاروقی در این خصوص اندیشه عجیب دارد که در ادامه بیت می‌نویسد: «یعنی هوا که مردگان خاک را زندگان می‌گرداند، انفاس لطف عیسی (ع) را به باد می‌دهد».

تناسب خاص کلمات «هوا» و «خاک» منطقاً ایجاب می‌کند که واژه مورد بحث در مصراع دوم باید «باد» باشد، نه «یاد».

حسن توضیحات خاص مؤلف فرهنگ در تفهیم کلام و درک معنی برخی واژه‌ها و عبارات متن در مثال پایین باز هم روشن‌تر مشاهده می‌شود:

«باده - شراب»، «قران‌السعدین»

لعل تو چون سرمه دهد در شراب      کیست کزان باده نگردد خراب

شرح: «معنی آن است که لب تو چون خط را دماند، کیست که از آن شراب لعل بیهوش و مست و طامع نگردد و نیز چون سرمه در شراب دهند، بیهوشی آرد».

عبارت «سرمه دادن» در «فرهنگ زبان تاجیکی» نیامده است. مثال مذکور بار دیگر ثابت می‌نماید که مؤلف در نهایت موجزی توانسته است، معنی را روشنی تمام بخشد. نمونه دیگر:

«تاب - روشنی ماه و آفتاب و فروغ هر چیز که روشن بود و گرمی آن؛ و توانائی که به تازی «طاقت» خوانند؛ و آن پیچ که در زلف خوبان و رشته افتد. سلمان:

تب و تاب رشته می‌بندند مردم، لیک او  
 هر شبی بندد به تاب رشته تب بر خویشتن

مؤلف «شرفنامه» نوشته است: «معنی آن است که تب را به تاب رشته مردم از خود دور می‌کنند، اما او یعنی شمع، هر شب تب به تاب رشته بر خود می‌بندد. و «تب را به تاب رشته دور کردن، چنان است که دخترک نارسیده به دست چپ به مویینه قد صاحب تب رشته بریسد، بر آن افسون (بخوانند) و آن را بر مهموم بندند و دفع تب کند».

مثل معلومات بالا برخی معلومات فاروقی خیلی نادرند. برای تقویت و تصدیق این گفته‌های او به «فرهنگ نظام» و «لغتنامه»ی دهخدا مراجعت نمودیم. در این فرهنگ‌ها به جز معلومات مختصری برای عبارت «تب بستن» به معنی «ازالۀ تب کردن به حیلۀ افسون...» و «تب‌بندی» به معنی تب هرروزه، چیز دیگری به دست نیامد.

چون شعر شعرای این دوره از آیات قرآنی، احادیث نبوی، قصص مختلف دینی و مذهبی نیز برخوردار است، ناگزیر این مفهوم‌ها در آثار لغوی نیز انعکاس یافته‌اند. ضمن تفسیر معنی‌ها و شرح برخی ابیات «شرفنامه» اقتباس از قرآن کریم و احادیث نیز به نظر رسید که دلالت بر وقوف مؤلف فرهنگ از تعلیمات اسلامی و مضامین قرآنی است.

کاربرد به موقع آیه قرآن در مثال زیرین «شرفنامه» نیز به این گفته‌ها دلالت دارد:



«باز - فراخ و گشاده و رجعت و مسافت دو دست، چون فراز کنی؛ و نیز همان باج مذکور و به معنی جانور درنده معروف که به شکار پادشاهان است، تازی است. خسرو شاعران (امیر خسرو - ش.ر.):

سیب است همان قدر که سیب است      آب است همان قدر که آبی  
امروز اگر دهی تو مرغی      فردا به جزا که باز یابی

مؤلف در معنی گشایی این قطعه، حساب ابجد را به کار گرفته، چند معنی مرموز شاعر را دریافته و چنین نوشته: «و نیز «باز» به حساب جمل «ده» بود و «هفتاد و دو» عدد «سیب» و «سیزده» - عدد «آبی» و بیت سه معنی دارد: یکم، اگر مرغی دهی، فردا بازش یابی (هل جزاء الاحسان الاحسان). دوم، اگر مرغی دهی، باز یابی (به معنی مرغی دیگر یا باز شکاری - ش.ر.). سوم، اگر یک مرغ دهی، ده (مرغ دیگر - ش.ر.) باز می‌یابی».

چنان که می‌بینیم، معنی یکم را مؤلف در ارتباط با آیه قرآنی توضیح داده، ظاهراً بنا بر اشتها مفهومی‌ها یا به خاطر شهرت آیه، ترجمه آن را ضروری ندانسته است. آیه مذکور از سوره «الرحمن» بوده، ترجمه‌اش این است: «آیا پاداش و مکافات نیکوکاری جز نیکوکاری است؟» (سوره «الرحمن»، آیه ۶۰). ثانیاً، آگاهی مؤلف از علم ابجد و تطبیق قواعد آن امکان داده است که مؤلف در کشف عمیق معانی قطعه مذکور دست یابد.

مفهوم‌هایی که در این موارد بیان گردیده‌اند، قبل از همه خاص آثار تشریحی‌اند و در آثار لغوی استفاده کردن از عناصر شرح، چنان که در مثال‌های بالا دیدیم، باعث تطویل کلام نگردیده، بلکه در زینت معانی و دامنه‌دار اندیشه‌های ابراهیم قوام‌الدین فاروقی مساعدت نموده‌اند.

«بهرام - نام پادشاه ایران که «بهرام گور» گفتندی و نیز نام سرلشکر هرمز بن نوشیروان، که «بهرام چوبین» کنیت داشت و نام پسر گودرز و سیاره‌ای که بر فلک پنجم

است و او را « کوتوال فلک» گویند، خانه در برج حمل و عقرب دارد و منسوب به اقلیم سوم که بلاد ترکستان است. به تازیش «مربخ» و منجمان «نحس اصغر» گویند. سلمان:

پرویز فلک تافت ز سرچشمه ماهی بر جانب آتشگه بهرام عنان را

شرح این بیت از جانب فاروقی مختصر، ولی خیلی مفید انجام پذیرفته است: «معنی آن است که آفتاب از حوت به حمل آمد و در «سرچشمه» اضافه است».

ماده‌های لغوی که معمولاً با معانی اصلی بیشتر توضیح یافته‌اند، اصول ذکر معانی مجازی و مفاهیم دیگر آن خاص فرهنگ‌های دوره نسبتاً متأخر است و اکثر برای درک تابش‌های دیگر واژه و اصلاحات متن کافی نیستند. از این لحاظ، شرح‌های موجز فرهنگ مذکور، به اندیشه ما، همان ارزشی را داراست که فرهنگ‌های تشریحی دارند. مثلاً، در خصوص واژه «شباهنگ»، در «شرفنامه» چنین آمده: «شباهنگ - شب و شباهنگ و نیز ستاره‌ای که به تازی «شعری» خوانند. «بوستان»:

چو یک بهره از تیره شب (در) گذشت شباهنگ بر چرخ گردون بگشت

به خنده عقیق نقطه میم کرد شباهنگ در میم دو نیم کرد

اما بیت مذکور در کلیات سعدی شیرازی به تصحیح محمدعلی فروغی یافت نشد. اما مراد ما در اینجا ذکر معنی ابیات بالاست، که با صراحت توضیح یافته‌اند. فاروقی لفظ‌بازی‌های شاعرانه را خوب درک نموده، زیرا در توضیح مثلاً همین بیت اخیر می‌نویسد: «یعنی به خنده نقطه عقیق، یعنی دهان را میم کرد، یعنی لبان را از هم باز کرد و از «شباهنگ» در این بیت دندان مراد است».

انعکاس تام معنی و انتقال مفاهیم اشعار سخنوران، موضوع اساسی در علم شرح به حساب می‌رود. شارح اثر مذکور، ارتباط این یا آن جزء بیت را به اعتبار گرفته، معنی را توضیح و بیان ساخته است که این اصول نیز برای درک عمق معنایی خیلی مفید است. در مثال

ذیل که بیتی از سعدی است، این اشاره مؤلف فرهنگ جالب است: «تهی - به کسرتین و از شیخ واحدی به ضم مصحف است، خالی. «گلستان»:

ای تهیدست رفته در بازار      ترسمت پر نیاوری دستار

در معنی این بیت فاروقی می‌نویسد: «این بیت چهار معنی دارد، چون به چهار طریقه خوانند». واقعاً هم بیت مذکور «گلستان» سعدی چند معنی دارد که بعدها از جانب شارحان «گلستان» مانند محمد اکرم مولتانی، میر نورالله احراری به معانی آنها اشاره کردند.

خلاصه، این گونه مثال‌های جالب در مورد شرح ابیات شاعرانی به مانند مولوی، حاقانی، نظامی، انوری، حافظ، سلمان، بدر چاچی، منصور شیرازی، سعدی، سپاهانی، ظهیر فاریابی، قوامی و امثال آنها فراوان بوده، دقت مؤلف «شرفنامه» به شرح و توضیح ابیات ظهیر فاریابی، انوری و سلمان ساوجی بیشتر احساس می‌شود. مؤلف در مواردی دیگر برخی ابیات خود را نیز از لحاظ معنی توضیح داده، اظهار ذوق بلند در درک و فهم اشعار می‌دهد.

و. ا. کاپرانف در کتاب «Таджикско-персидская лексикография в Индии XVI-XIX BB.» (فرهنگ‌نویسی تاجیکی - فارسی در هند در قرون ۱۶-۱۹ میلادی) ارتباط عناصر شرحی را با آثار لغوی و ظهور عناصر تذکره را در فرهنگ‌های این دوره با موشکافی توضیح داده و نوشته است: «در لغات مکاتب هند، عموماً در ابتدا از «فرهنگ جهانگیری» اصول و فرهنگ‌نگاری - شرح و توضیح استناد یا مفهوم‌هایی در ارتباط با آنها سخن می‌رود، رواج یافت». بعداً موصوف برای تأیید گفته‌های خویش مثال‌های «شاعر در صفت اسپ گوید»، «شفاهی در هجو ذوق گوید» را از فرهنگ حسین اینجو چون عناصر تذکره و شرح فرهنگی نمونه می‌آورند. سندهای باز یافته ما بار دیگر ثابت می‌سازد که این سنت محض در قرن ۱۷ میلادی لغت‌نگاری فارس و تاجیک تظاهر نکرده، بلکه دو قرن قبل از آن مکشوف و معمول بوده است که نسخه‌های معتبر فرهنگی مانند «شرفنامه منیری» در صدد کشف و تطبیق این اصول قرار داشته‌اند.

این موضوع نشان می‌دهد که ظهور عناصر شرحی در آثار لغوی و اهمیت و ارزش واقعی شروع فرهنگی هنوز باید و شاید حل خود را نیافته‌اند. بی‌سبب هم نیست که برخی از مؤلفان آثار لغوی در کار شرح و توضیح اشعار سخنوران، شروع جالبی از خود به یادگار گذاشته‌اند. اگر مؤلفان برخی لغات تفسیری سابق از صاحب‌قلمان و دبیران نامی زمان خود باشند، برخی دیگر از مؤلفان بعدی به حیث شارحان ورزیده آثار ادبی نام برآورده، مکتب‌ها و اصولهای خاص شرح‌نگاری قرون وسطی را بنیاد گذاشته‌اند. در این جریان می‌توان از دانشمندانی مانند مولانا محمد بن داوود بن محمود شادی‌آبادی، افضل‌الدین محمد بن قوام بن رستم، محمد غیاث‌الدین رامپوری، سراج‌الدین علی‌خان آرزو و دیگران یادآور شد که علاوه بر تألیف لغت‌نامه‌های تفسیری به کار شرح‌نگاری کمر بسته، شروع اشعار انوری و خاقانی، نظامی و سعدی و امثال ایشان را تألیف و تصنیف نموده‌اند. اگر ظهور این روند مهم ادبی را در ارتباط با تألیف رسایل لغوی بررسی کنیم، بار دیگر بر اثبات اندیشه‌های دقیق محقق ورزیده عبدالمنان نصرالدین‌اف مواجه خواهیم گردید. ایشان ارتباط قوی شروع ادبی را با رسایل لغوی در نظر گرفته، در کتاب ارزشمند «شرح‌نویسی در تاریخ ادب فارس- تاجیک» اندیشه‌های جالب خویش را به قلم آورده است: «شرح‌نویسی فارس و تاجیک همیشه با سنت‌های فرهنگ‌نویسی پیوند قوی داشته، فرهنگ‌های نخستین چون «رساله»ی قطران تبریزی، «لغت‌فارس» اسدی، «صحاح الفرس» هندوشاه نخجوانی، «فرهنگ فخر قواس» فخرالدین مبارکشاه غزنوی در عین زمان به صفت شرح اشعار شاعران نیز خدمت کرده‌اند. در دوره‌های بعدی نیز در فرهنگ‌نامه‌ها عنصرهای شرح و در شروع اصولهای تدقیق فرهنگ‌نویسی به هم آمیزش یافته‌اند. اکثر شارحان، البته در ردیف منابع آثارشان فرهنگ‌های تفسیری فارسی را یادآور شده‌اند، در عین زمان فرهنگ‌نویسان نیز شروع را به صفت سرچشمه استفاده کرده‌اند» (۱، ۲۰، ۱).

البته، مؤلف فرهنگ مشخصی را پیشه نموده، به ندرت برخی نکته‌های و توضیحات خویش را به قلم آورده است که در این خصوص جمله ذیل مقدمه فرهنگ دلالت می‌دهد: «... و

بعضی محل معنی بیت مستشهد که شاه‌بیت ام‌القصاید شاعران ماهر است، از نتیجه طبع سقیم و فهم سخیف مرقم و مبین فرموده».

از مجموع گفته‌های بالا و اسناد دریافته می‌توان خلاصه نمود که علم لغت‌نگاری فارس و تاجیک در قرن ۱۵ تحولات عجیبی را پشت سر گذرانیده، روش خاص و کشف و تطبیق اصولهای جالبی را به راه مانده است که بعدها برای ظهور فرهنگهای جامع زمینه‌های مفید فراهم آورده‌اند. از نمونه‌های یاد شده از فرهنگ «شرفنامه منیری» به قید گرفتن انگیزه‌های اولیه رشد و تحولات این بخش مهم بارز جلوه می‌نماید.

#### منابع:

1. Абдуманон Насриддин. Шархнависӣ дар таърих адабии форс-тоҷик. Дар ду қисм. – Хучанд, 2000-2001.
2. Баевский С.И. Описание персидских и таджикских рукописей Института народов Азии. Персидские толковые словари (фархангӣ). – М.: Восточная литература. 1962. Выпуск 4.
3. Бадрадин Ибрахим. Фарханг-и Зуфангуя ва джаханпуя (словарь говорящий и мир изучающий). Факсимиле рукописи. Издание текста, введение, список толкуемых слов, приложение С.И.Баевского. М.: Наука, 1974.
- 4 - دهخدا، علی‌اکبر - لغتنامه. در ۵۰ مجلد. - تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۴ تا ۱۳۴۵ هـ.ق. جلدهای ۵۰-۱.
- 5 - دانشنامه ادب فارسی. در ۵ جلد. ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان) به سرپرستی حسن انوشه. تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ. جلد چهارم.
6. Каталог восточных рукописей АН Таджикской ССР. В шести томах, под редакцией А.Е. Бертельса. – Душанбе, 1988. Том. 6.
7. Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum. By Charles Rieu PH.D. Volume II. – London, 1881.
- 8 - منزوی، احمد - فهرست نسخه‌های خطی فارسی. در شش جلد. - تهران، ۱۳۵۰. جلد سوم.
9. Персидские и таджикские рукописи Института народов Азии Академии Наук СССР (краткий алфавитный каталог). Под редакцией Н.Д.Миклухо-Маклай. – М.: Наука, 1964. Часть 1.

- ۱۰ - سلمان ساوجی - دیوان. با مقدمه و تصحیح استاد ابوالقاسم حالت. به کوشش احمد کرمی. - تهران ۱۳۷۱.
- ۱۱ - فرهنگ فارسی - تألیف حسین وفائی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۴.
- ۱۲ - فرهنگ رشیدی - عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی المدنی التطوی. به اهتمام دکتر محمد عباسی. در دو جلد. - تهران، ۱۳۳۷، جلد‌های ۱-۲.
- ۱۳ - فرهنگ جهانگیری - تألیف میر جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن انجوی شیرازی. ویراسته دکتر رحیم عقیقی. - مشهد: انتشارات دانشگاه «فردوسی» مشهد ۱۳۵۱، جلد‌های ۱-۳.
- ۱۴ - فرهنگ «شرفنامه منیری» - نسخه خطی شماره ۴۱۸ از گنجینه دستخط‌های نادر انستیتو شرق‌شناسی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان.
- ۱۵ - فرهنگ «شرفنامه منیری». نسخه خطی شماره ۵۲۵ از گنجینه دستخط‌های نادر انستیتو شرق‌شناسی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان.
- ۱۶ - فرهنگنامه زفان‌گویا و جهان‌یویا، فرهنگ فرس (پنج‌بخشی). تألیف بدرالدین ابراهیم، به کوشش حبیب‌الله طالبی. - تهران ۱۳۸۱.
- ۱۷ - فرهنگ‌نامه‌ها - نگارنده سید ضیاء‌الدین هاجری. در دو مجلد. - تهران: انتشارات «به‌آفرین» ۱۳۸۱. جلد سوم ۱۲۷۶.
- ۱۸ - فرهنگ فارسی - تألیف دکتر محمد دبیرسیاقی. تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۹ - فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان - تألیف دکتر شهریار نقوی. - تهران: انتشارات وزارت فرهنگ ۱۳۴۱.
- ۲۰ - فهرست نسخ خطی فارسی انستیتو شرق‌شناسی و آثار خطی تاجیکستان. در دو جلد. زیر نظر سید علی موجانی، امریزدان علی‌مردان‌اف. تهران، ۱۳۷۶، جلد اول.